

نشریه علمی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۹۸

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University
کد مقاله : ۲۸۸۳۷
صفحات: ۱۵۲-۱۲۹

بررسی نسبت میان «فلسفه تعلیم و تربیت» با تمدن نوین اسلامی و تبیین فلسفه تربیتی مطلوب بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری

فاطمه وجدانی *

چکیده

ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان آرمان نظام جمهوری اسلامی، در سال‌های اخیر، در محافل علمی جدی‌تر مورد توجه قرار گرفته است. ماهیت میان رشته‌ای «تمدن پژوهی» نیز ضرورت پرداختن به این مقوله را از ابعاد گوناگون، تأکید کرده است. مقام معظم رهبری، در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی بر مؤلفه «پرورش نیروی انسان کارآمد» تأکید نموده، نگاه اجتهادی و عالمانه به نظام تعلیم و تربیت رسمی و تدوین فلسفه تربیتی مناسب را توصیه نموده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، اولاً، تبیین رابطه میان فلسفه تربیتی جامعه و تمدن‌سازی نوین اسلامی و ثانیاً، تبیین فلسفه تربیتی مطلوب با رویکرد تمدنی (بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری) است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی-استنتاجی است. ابتدا از طریق توجیه نقش نظام تربیتی در تأمین سرمایه انسانی لازم برای تمدن‌سازی، پرورش خصوصیات معنوی-اخلاقی لازم، نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی، آماده‌سازی برای ورود به آموزش عالی و تولید علم و فناوری و پرورش نسل‌های بعدی نخبگان فکری جامعه (برای تولید و ارتقای فکری) که برای تمدن‌سازی لازمند، رابطه میان فلسفه تربیتی و تمدن‌سازی توجیه شد. سپس مؤلفه‌های چهارگانه فلسفه تربیتی مطلوب در قالب: اقدامات زمینه‌ساز، اهداف تربیت، رویکرد تربیتی و ابعاد تربیت تبیین گردید. بر اساس یافته‌ها، در راستای هدف کلی تربیت (یعنی پرورش سرمایه انسانی تمدن اسلامی)، ده هدف واسطه‌ای در هشت بعد: معنوی، روانی-شخصیتی، اخلاقی، علمی، مدنی، فرهنگی-سیاسی، جسمی و

حرفه‌ای- اقتصادی به دست آمد. در نهایت، رویکرد تربیتی مناسب، تحت عنوان «تربیت انسان مؤمن کارآمد» پیشنهاد گردید.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت، مقام معظم رهبری، اهداف تربیت.

مقدمه

روح وحی اسلامی از میراث تمدن‌های گذشته و از طریق نبوغ خود، تمدنی به وجود آورد که آن را می‌توان به صورتی مشخص اسلامی نامید (نصر، ص ۲). تمدن عظیم اسلامی پس از قرن‌ها درخشش و الهام بخشی به سایر تمدن‌ها و ملل جهان، دچار افول و رکود شد. اما در عصر حاضر، با شکل‌گیری انقلاب اسلامی با رویکردی دینی و با آرمان سعادت حقیقی بشر مجدداً حرکتی آغاز شد که در نگاهی کلان، می‌توان آن را ادامه بعثت پیامبر اکرم (ص) و حرکتی تاریخی در مسیر احیای تمدن عظیم اسلامی در نظر گرفت. هم‌چنانکه مقام معظم رهبری، آرمان نظام جمهوری اسلامی را در یک جمله کوتاه، ایجاد تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۹۲/۶/۱۴؛ ۹۴/۸/۲۰): جامعه‌ای سرشار از معنویت، علم و پیشرفت، ثروت، عزت و عدالت (همو، ۹۲/۹/۱۹؛ ۹۴/۸/۲۰). برای چنین تمدنی می‌توان شش شاخصه در نظر گرفت:

۱. متکی بر معنویت، خدا، تعالیم و هدایت الهی (همو، ۸۵/۸/۲۰؛ ۹۱/۴/۳۱؛ ۹۲/۹/۱۹)؛
۲. پیشرفت علم و فناوری و صنعت (همو، ۷۶/۲/۳؛ ۸۳/۶/۲۵؛ ۸۵/۸/۲۰)؛
۳. پیشرفت و اعتلای اقتصادی، رفاه و آبادانی (همو، ۱۳۷۶/۲/۳؛ ۸۳/۶/۲۵؛ ۸۵/۸/۲۰)؛
۴. توسعه عدالت، اخلاق، انصاف، عدالت اجتماعی (به معنای یکسان بودن فرصت‌های حرکت و پیشرفت و حقوق)، کم شدن فاصله‌های طبقاتی، برداشته شدن قلّه‌های اشرافی‌گری (همو، ۹۵/۵/۱۱؛ ۹۶/۲/۵؛ ۸۵/۸/۲۰).
۵. روابط اجتماعی مطلوب (ارتباطات سالم، کمک و همکاری، همزیستی مهربانانه مردم با یکدیگر) (همو، ۸۵/۸/۲۰)، محبت (همو، ۹۶/۲/۵) و زندگی همراه با عطف و رحمت و انسانیت (همو، ۱۳۷۶/۶/۱۹)، عطف اسلامی، رفتار اخلاقی و انسان دوستانه با یهودی و مسیحی و مروّت و رحمت و مدارای مسلمانها با دشمنان (همو، ۱۳۸۰/۷/۲۳).
۶. اقتدار سیاسی (همو، ۱۳۷۶/۲/۳)، استقلال و عزت امت اسلامی (همو، ۸۳/۶/۲۵)، قدرتمندی برای مقابله با امواج جهانی (همو، ۹۴/۸/۲۰)، ایستادگی در مقابل کُفر و ظلم (همو، ۹۶/۲/۵)

تحقق تمدن نوین اسلامی با مشخصه‌های فوق، به نوبه خود، زمینه‌ساز تحقق هدفی بزرگ است: رشد و تعالی انسان و سعادت‌مندی او. به تعبیر دقیق‌تر، تمدن اسلامی، «فضا»یی را فراهم می‌کند که همه استعدادها و ظرفیت‌های انسانی شکوفا شود (همو، ۹۲/۲/۹؛ ۸۵/۸/۲۰؛ ۹۵/۵/۱۱)، انسان بتواند از لحاظ معنوی و مادی رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد، زندگی خوب و عزتمندانه‌ای داشته باشد و با قدرت و اراده و ابتکار، جهان طبیعت را بسازد (همو، ۹۲/۶/۱۴) و سرانجام به آرامش و آسایش دست یابد (همو، ۷۶/۲/۳؛ ۸۵/۸/۲۰؛ ۹۱/۷/۲۳؛ ۹۵/۵/۱۱)؛ که آرزوی دیرینه همه انسان‌هاست.

در چند سال اخیر و با تأکیدات مقام معظم رهبری، بحث‌های علمی برای ایجاد چنین تمدنی، صورت جدی‌تری به خود گرفته است و با عنایت به این که مطالعات «تمدن پژوهی» دارای ماهیتی میان رشته‌ای است (حسینی، ص ۲۱) ورود پژوهشگران از عرصه‌های گوناگون و کار جمعی در این حوزه ضروری می‌نماید. اکنون با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد مسئله، نه بر سر اصل ضرورت تمدن‌سازی، بلکه بیشتر بر سر چگونگی‌هاست. بحث درباره چگونگی ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌تواند از دو جنبه ضرورت یابد: بهره‌مندی و پیشرفت خود دنیای اسلام و نیز مواجهه پیروزمندانه با تمدن مادی غرب به عنوان اصلی‌ترین رقیب تمدنی اسلام (دنگچی، ص ۶). پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد گامی در جهت روشن نمودن چگونگی تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر نقش تعلیم و تربیت در این زمینه بردارد. تلاش برای تغییر در نحوه تفکر و سبک زندگی اعضای جامعه (جهت تمدن‌سازی) به طرق مختلف انجام‌پذیر است. به نظر می‌رسد نظام تربیتی کشور به لحاظ تاثیرگذاری مستقیم بر نسل جوان جامعه می‌تواند نقشی جدی در این زمینه ایفا کند.

«تربیت» فرایندی جامع - شامل تمام تلاش‌های زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی - است که به صورت امری واحد و یکپارچه، با تحول تمام ابعاد وجودی انسان، به مثابه یک کل، سر و کار دارد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج.ا.ا، ص ۲۰). لذا تربیت، تغییرات شناختی، نگرشی، عاطفی و رفتاری نسل جوان جامعه را با نظر به غایت مطلوب مورد نظر جامعه، میسر می‌سازد. برای ورود جدی و علمی به عرصه تمدن‌سازی و تربیت، نخست باید نسبت این دو، یعنی رابطه میان علوم تربیتی و تمدن‌سازی به صورت دقیق، روشن و سپس بایدها و نبایدها برای نظام تربیتی کشور بحث شود.

از آن جا که برنامه‌های تربیتی در هر کشوری، مبتنی بر فلسفه خاصی است، هدف از انجام این پژوهش نیز، اولاً، تبیین رابطه میان فلسفه تربیتی جامعه و تمدن‌سازی نوین اسلامی و ثانیاً، تبیین فلسفه تربیتی مطلوب و همسو در راستای برپایی تمدن نوین اسلامی است. شایان ذکر است که منظور از «فلسفه تربیت» نیز، بیانی استدلالی درباره مبانی، چستی، چرایی و چگونگی تربیت است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج.۱، ص ۲۰۲).

در زمینه ارتباط میان تربیت و تمدن‌سازی نوین اسلامی تحقیقات اندکی در کشور صورت گرفته است. به عنوان نمونه، بنی حسن (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی نقش بیداری فرد در احیای تمدن اسلامی از منظر قرآن و نهج البلاغه پرداخته است. از این رهگذر، عوامل بیداری در متون قرآن و نهج البلاغه جستجو شده و به عواملی هم چون: وحدت، دشمن شناسی، ایمان و تقوا و الگوگیری از مصلحان بزرگ اشاره شده است. در واقع، مباحث قابل توجهی با صبغه تربیتی مطرح شده‌اند؛ اگرچه پژوهشگر در پی نظام‌سازی برای تربیت و بحث‌های کلان و فلسفی تربیتی نبوده است.

میرزاحمدی (۱۳۹۴) آموزه‌های تربیتی حاصل از سیاست فاضله فارابی را از منظر تمدن نوین اسلامی در سه بخش مدرسه (دانشگاه)، معلم (استاد) و اهداف بررسی کرده است. ایشان دریافت که هدف غایی تربیت، سعادت و رسیدن به سعادت، مستلزم زندگی در مدینه فاضله است. مدینه فاضله به مثابه یک محیط تربیتی سالم است و نقش مدرسه را ایفا می‌کند. ریاست مدینه فاضله در مقام معلم و استادی تربیت یافته و حکیم است و کارگزاران آن نیز، تربیت یافته و اخلاق‌مند هستند. با شناخت، ایجاد و تثبیت فضایل اخلاقی در مردم مدینه، سعادت حاصل می‌شود؛ که تمامی این فرایندها مستلزم تعلیم و تربیت است.

فرمهبینی فراهانی و خاری آرانی (۱۳۹۴) نیز نقش تربیت دینی را در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی بررسی کرده‌اند و دریافتند که تربیت دینی از طریق مؤلفه‌هایی چون: علم‌گرایی، آزادی، استقلال، کرامت و روش‌هایی چون: وحدت‌گرایی، قانون‌گرایی، عقل‌گرایی، جوان‌پروری و نظام‌سازی، زمینه تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌کند.

بابایی (۱۳۹۴) درباره بنا نمودن تمدن اسلامی در دو سطح بحث می‌کند. مرحله حادقلی آن، بر اساس اسلام، ظواهر دینی و شریعت اسلامی است و مرحله حداکثری آن، بر اساس ایمان و طریقت. البته این بحث صبغه تربیتی ندارد؛ اما پژوهشگر در یک عبارت حاشیه‌ای توصیه کرده

است که برای تمدن‌سازی باید افراد را برای «امت» شدن تربیت کرد و نظام آموزشی و پرورش نیز باید برای تربیت چنین نسلی برنامه ریزی کند.

دیباچی صابر (۱۳۹۶) مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری را تبیین و جایگاه آن را در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران تحلیل کرد. بر اساس یافته‌ها، نه مؤلفه (علم، عدالت، اخلاق، ایمان، تلاش، پرهیز از سطحی‌نگری، محوریت قرآن، خردورزی، استقلال) به دست آمد که در اسناد آموزش و پرورش، میزان تراکم مؤلفه ایمان زیاد و مؤلفه پرهیز از تقلید بسیار کم است.

در برخی دیگر از پژوهش‌های نسبتاً مرتبط نیز، راهکارهای احیای تمدن اسلامی بررسی شده است و البته بحث‌ها چندان صبغۀ تربیتی نداشته‌اند. به عنوان نمونه، روحی (۱۳۹۲) گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی را تحلیل کرده و در جهت احیای تمدن اسلامی (با نظر به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری) راهکارهایی هم چون: جنبش نرم‌افزاری، تشکیل دولت اسلامی، بهره‌مندی از مواهب علم مدرن (در حوزه علوم تجربی و فنی مهندسی) و اسلامی‌سازی علوم (به ویژه علوم انسانی) را بر مبنای نصوص اسلامی توصیه نموده است. دنگچی (۱۳۹۴) نیز، ضرورت‌ها و راهکارهای احیای تمدن اسلامی را از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری بررسی کرده و به مؤلفه‌هایی هم چون: اعتقاد به توانایی‌های بومی، ارائه تصویر واقعی از دین به جامعه، حفظ وحدت امت اسلامی، مجاهدت دائمی و بسیاری موارد دیگر اشاره نموده است. هاشمی‌علی آبادی (۱۳۹۶) نیز، الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی را با نگرشی سیستمی به آیات قرآن بررسی کرده و به این نتایج دست یافته است که تحقق تمدن نوین اسلامی مستلزم دستیابی به موارد است: پیرایش از خرافات فکری و آرایش به جهان بینی توحیدی، رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی، انسجام اجتماعی در پرتو وحدت، امنیت و عدالت، توسعه کمی و کیفی علمی، استقلال، رشد و تقویت بنیه صنعتی و اقتصادی، تقویت بعد سیاسی و نظامی، حاکمیت قانون و نظم و تغییر سبک زندگی. آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد، تمرکز بحث بر تبیین «فلسفه تربیتی» مناسب برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است که بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری انجام می‌گیرد.

پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش، به دو پرسش کلی پاسخ داده می‌شود:

۱. «فلسفه تعلیم و تربیت» چگونه با تمدن‌سازی ارتباط دارد؟
 ۲. در راستای «برپایی تمدن نوین اسلامی»، فلسفه تربیتی مطلوب چگونه خواهد بود؟
- پرسش دوم پژوهش خود به چهار پرسش فرعی تقسیم پذیر است:
- بنا بر فلسفه تربیتی مطلوب، اقدامات زمینه‌ساز و بنیادین برای اصلاح نظام آموزشی پرورشی کشور کدامند؟
 - بنا بر فلسفه تربیتی مطلوب، اهداف تربیت برای پرورش نسل تمدن‌ساز کدامند؟
 - بنا بر فلسفه تربیتی مطلوب، رویکرد تربیتی چگونه باید باشد؟
 - بنا بر فلسفه تربیتی مطلوب، تربیت دارای چه ابعاد گوناگونی باید باشد؟
- روش پژوهش برای پاسخ‌دهی به پرسش نخست، توصیفی-تحلیلی و برای پاسخ‌دهی به پرسش دوم، روش استنتاجی است. از آنجا که بیش از دو دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی تحت زعامت مقام معظم رهبری سپری شده است و گفتمان انقلاب اسلامی کاملاً متأثر از اندیشه‌های معظم له است (دنگچی، ص ۱۷) و به ویژه، در سال‌های اخیر رهنمودهای زیادی در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی مطرح نموده‌اند، فرمایشات ایشان به عنوان مبنا و منبع استخراج داده‌های اولیه در حوزه تمدن نوین اسلامی (و پاسخگویی به پرسش نخست)، انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. برای این کار سخنان مقام معظم رهبری در ارتباط با تمدن‌سازی نوین اسلامی، جمع‌آوری و متناسب با پرسش‌های پژوهش، دسته‌بندی و کدگذاری و به گونه‌ای سازماندهی و تحلیل شدند که بتوان بر اساس آنها به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد. سپس پاسخ پرسش دوم (چگونگی فلسفه تربیتی مطلوب) عمدتاً به شیوه استنتاجی به دست آمد؛ زیرا ایشان کمتر به بحث مستقیم در زمینه رابطه میان تمدن‌سازی اسلامی و فلسفه تربیت پرداخته‌اند. در شیوه استنتاجی، گزاره‌ای از دل گزاره یا گزاره‌های دیگر استخراج می‌شود (خوانساری، ص ۱۴۳). به عبارت دقیق‌تر، علاوه بر ثبت آنچه در دیدگاه کلی‌تر (دیدگاه مبنا) در مورد تعلیم و تربیت وجود دارد، زمانی که دیدگاه مورد نظر اشاره مستقیمی به بحث‌های تربیتی نداشته است نیز، پژوهشگر اقدام به اقتباس، تهیه و ارائه طرح‌ها و پیشنهادها خاص تربیتی می‌کند که در توافق با آن دیدگاه کلی هستند. شیوه استنتاجی رایج‌ترین روش در فلسفه تعلیم و تربیت است (اسمیت، ص ۷۹۰). بنابراین، در اینجا نیز ابتدا تلاش شد تا ویژگی‌های نسل تمدن‌ساز آن گونه که مد نظر مقام معظم رهبری است، بررسی و تحلیل شود؛ آن‌گاه فلسفه تربیتی مطلوب برای پرورش انسان‌هایی با آن خصوصیات، استنتاج و مدون گردد.

شایان ذکر است که فلسفه تربیتی در شکل کامل خویش مشتمل بر عناصر دیگری از جمله مبانی تربیتی نیز هست. که البته پرداختن به تمام مؤلفه‌های فلسفه تربیتی مجال بسیار گسترده‌تری را می‌طلبد. در این پژوهش محدود، مبانی تربیت اسلامی آن گونه که در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی ج.ا.ا. آمده است، مفروض گرفته شده است. مبانی اساسی تربیت در جامعه اسلامی ایران در سند مذکور، در پنج محور: مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی به طور تفصیلی مطرح شده که خلاصه آن به بیان نویسندگان سند مذکور بدین قرار است: انسان موجودی دارای فطرت الهی، استعدادهای طبیعی گوناگون، عاقل، آزاد، اجتماعی، همواره در حال شدن و دارای عاملیت در تکویت و تحول هویت پویای خود، است که قادر است موقعیت خود را درک کند و تغییر دهد و در تکوین و تحول هویت فردی و جمعی و تعیین آینده و سرنوشت خویش و دیگران تاثیرگذار باشد؛ تلاش‌های او در جهت قرب الهی انجام می‌گیرد و شرط اصلی قرب الی الله، تحقق توحید ربوبی در همه مراتب و ابعاد زندگی است (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۲۱-۱۱۷). بدین ترتیب، این پژوهش محدود می‌کوشد بر چگونگی‌های تربیت اسلامی با رویکرد تمدنی متمرکز باشد و در این میان، برخی از ابعاد بنیادین فلسفه تربیت یعنی اهداف، ابعاد و اقدامات زمینه‌ساز تربیت انسان تمدن‌ساز را تبیین نماید.

یافته‌ها

الف. نسبت میان «فلسفه تربیت» و تمدن‌سازی

اگر پرسش از نسبت میان «تمدن اسلامی» و «فلسفه اسلامی» را، پرسشی فلسفی بدانیم (محمودی، ص ۵۰)، آن‌گاه پرسش از نسبت میان «تمدن نوین اسلامی» و «فلسفه تعلیم و تربیت» نیز (که در این پژوهش به اختصار، «فلسفه تربیت» نامیده می‌شود^۱)، پرسشی فلسفی خواهد بود؛ و به نظر می‌رسد که می‌توان این نسبت را با تحلیل مفهوم «تمدن‌سازی» به اجزا و عناصرش، به دست آورد.

تمدن، برقراری نظم و هماهنگی میان روابط انسان‌های یک جامعه است؛ به صورتی که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را جایگزین آنها می‌نماید و در نهایت، زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنها می‌شود (جعفری، ج ۶، ص ۲۳۳). صاحب نظران، تمدن اسلامی

را، یک نظام کلان اجتماعی می‌دانند که مبتنی بر دو رکن است: جهان بینی معین (اسلامی) و نظام تاریخی مشخص. جهان بینی اسلامی شاکله خرده نظام‌ها را می‌سازد و ساختار و محتوای همه خرده نظام‌ها متأثر از اوست (دنگچی، ص ۷-۸). اکنون پرسش این است که تحقق تمدن اسلامی مستلزم چیست؟

مقام معظم رهبری معتقدند که برای ایجاد تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر و حرف نو (بر اساس منابع اصیل اسلامی) که در محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری روی می‌دهد و دیگری، پرورش انسان (مقام معظم رهبری، ۷۹/۷/۱۴)؛ به عبارت دیگر، راه برافراشتن پرچم تمدن نوین اسلامی «تربیت» نسلی با ویژگی‌هایی خاص است: مؤمن، شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، با انگیزه، غیور، دارای توان جسمی و فکری حرکت، هدفمند و آینده‌نگر، جدی و در یک کلمه یک انسان انقلابی (همو، ۹۵/۷/۲۸). در این بیانات، اشاره مستقیم معظم له را به نظام تربیتی در جهت تمدن‌سازی می‌توان مشاهده نمود.

ایشان در بیان دیگری، پیشرفت همه‌جانبه (تمدن‌سازی نوین اسلامی) را دارای دو بخش می‌دانند: یک بخش ابزاری و سخت‌افزاری تمدن و یک بخش متنی و اصلی و اساسی. بخش ابزاری تمدن اسلامی، همان ارزش‌هایی است که به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌شود: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ که همگی وسیله هستند. اما بخش حقیقی، که متن زندگی را تشکیل می‌دهد، همان سبک زندگی است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، الگوی مصرف، نوع تفریحات، مسئله خط و زبان، مسئله کسب و کار، رفتار اجتماعی، سیاسی، رسانه‌های، خانوادگی ... این بخش اخیر را می‌توان به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به شمار آورد. همه پیشرفت‌های دیگر بدون اصلاح متن و سبک زندگی برای سعادت بشر بی‌فایده است (همو، ۹۱/۷/۲۳). اصلاح سبک زندگی، به عنوان بعد اصلی تمدن‌سازی، از چندین طریق ممکن است: رسانه‌ها، خانواده‌ها، نهادهای فرهنگی، فرهنگسراها، دانشگاه‌ها، مدارس و ... اما به چند دلیل آموزش و پرورش در دراز مدت می‌تواند به صورت بهتر و اساسی‌تری از عهده این مهم - اصلاح سبک زندگی جهت تمدن‌سازی - برآید:

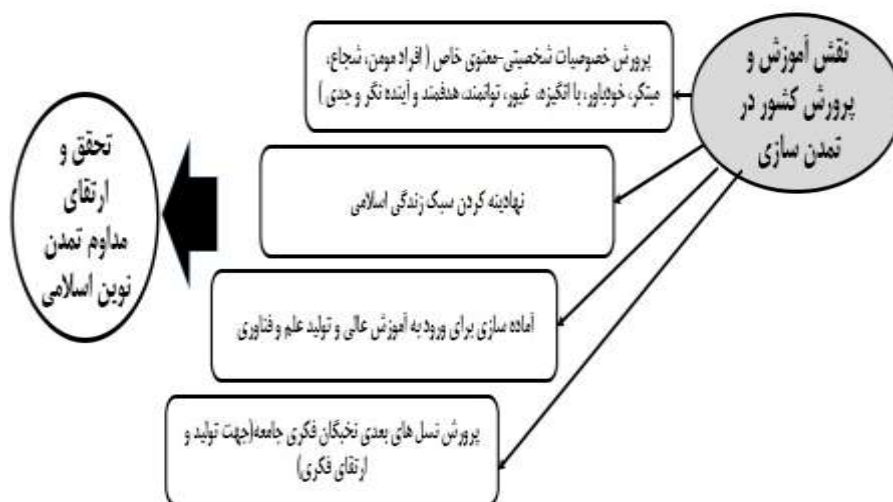
- مدارس، به لحاظ کمی، گستره زیادی از افراد را تحت تاثیر - آموزش و تربیت - قرار می‌دهند.

- آموزش و پرورش در مدارس، رسمی است و لذا به صورت جدی، هدفمند و برنامه‌ریزی شده پیگیری می‌شود، توسط کادر آموزش دیده اعمال می‌شود، تحقق اهداف و مشکلات مربوطه، بررسی (و ارزیابی و پایش) و برنامه‌ای نظام مند اجرا می‌گردد.

- آموزش و پرورش مدرسه‌ای از سنین کودکی آغاز می‌شود؛ زمانی که هنوز شخصیت کودکان در حال شکل‌گیری است و در سنین پایین‌تر، سبک زندگی جدید به صورت بهتری نهادینه و تثبیت می‌شود.

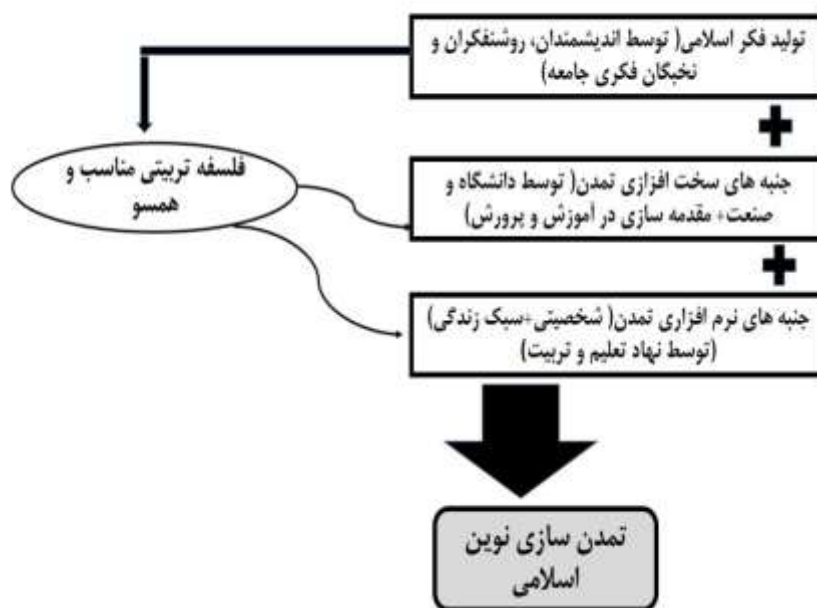
- مدارس با خانواده‌ها نیز در ارتباطند و لذا می‌توانند از طریق فعالیت‌ها و جلسات فوق برنامه والدین را نیز تحت آموزش قرار دهند و در نتیجه همزمان بر کودکان (نسل جدید) و والدین (نسل قبلی) تأثیر بگذارند.

البته در نگاه دقیق‌تر، نه تنها بخش تطبیق سبک زندگی توسط نظام آموزش و پرورش به خوبی قابل پیگیری است، بلکه تحقق جنبه سخت‌افزاری تمدن‌سازی نیز مستلزم «تربیت» متخصصان عرصه‌های گوناگون علم و فناوری است که البته عمدتاً توسط آموزش عالی و با زمینه‌سازی نهاد آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. لذا در مجموع، با استنباط از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، نقش آموزش و پرورش کشور را در تمدن‌سازی می‌توان در چهار حوزه در نظر گرفت:



تأمل در اشاره‌های مستقیم مقام معظم رهبری به نقش و کارکرد آموزش و پرورش نیز از دریچه دیگری ما را به سوی نقش تمدن‌سازی آن رهنمون می‌سازد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: آموزش و پرورش مهم‌ترین کار یک کشور است. اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، سعادت معنوی، سیطره سیاسی، پیشروی علمی، آبادانی زندگی دنیا و به هر آرزویی دست پیدا کند، باید به آموزش و پرورش به عنوان کاری بنیادی و مقدماتی لازم بپردازد؛ زیرا همه این کارها به نیروی انسانی احتیاج دارد و نیروی انسانی هم عمدتاً در آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. پس آموزش و پرورش، کانون اصلی ساختن و پرورش دادن و تولید آن عامل اساسی - انسان کارآمد- است؛ که مهم‌ترین و اساسی‌ترین عنصر برای پیشرفت کشور است (همو، ۸۶/۵/۳). آموزش و پرورش، قاعده اساسی و پایه اساسی برای بنای رفیعی است که می‌خواهیم برای آینده کشورمان داشته باشیم (همو، ۸۵/۲/۱۲). حال، اگر آموزش و پرورش بخواهد نقش خود را در ساختن آینده کشور و تمدن‌سازی ایفا کند، باید جهت‌گیری یا همان فلسفه خود را با تمدن‌سازی نوین اسلامی هماهنگ سازد و در راستای آن قرار بگیرد.

با استنباط از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، نسبت میان فلسفیه تربیت و تعلیم و تربیت و تمدن‌سازی نوین اسلامی را می‌توان به صورت تصویر زیر نشان داد:



در حال حاضر، غالب صاحب نظران و اندیشمندان کشور بر ضرورت تدوین «فلسفه تربیتی» مطلوب برای کشور اتفاق نظر دارند. مقام معظم رهبری نیز بر این اعتقاد هستند که آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فلسفه ما نیست (همو، ۸۶/۵/۳)؛ باید فلسفه آموزش و پرورش اسلامی واضح باشد و بر اساس این فلسفه، افق آینده آموزش و پرورش کشور و مسیر حرکت روشن شود و آن گاه بر اساس آن برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شود (همو، ۸۵/۲/۱۲). البته تدوین سند بنیادین تحول در آموزش و پرورش امری است که در سال‌های اخیر در همین راستا صورت گرفته است؛ اما خود، در مسیر نقد و اصلاح و بهبود مداوم قرار دارد و تا رسیدن به وضع مطلوب و مورد اتفاق نظر و قابل اجرا، هنوز نیاز به انجام پژوهش‌هایی در این حوزه به شدت احساس می‌شود. به عبارت دیگر، در زمینه تدوین فلسفه تربیتی مناسب، به ویژه با رویکرد تمدنی هنوز در ابتدای راه قرار داریم. در ادامه و در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، تلاش خواهد شد تا برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فلسفه تربیتی با رویکرد تمدنی با کمک گرفتن از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، استنتاج و تبیین شود.

ب. تبیین فلسفه تربیتی مناسب و همسو با هدف تمدن‌سازی نوین اسلامی

فلسفه تربیت در این پژوهش دارای عناصر چهار گانه: اقدامات زمینه‌ساز، اهداف تربیت، رویکرد تربیتی و ابعاد تربیت همسو با تمدن‌سازی نوین اسلامی است:

۱. اقدامات زمینه‌ساز در تربیت مطلوب

منظور از زمینه‌سازی برای تربیت این است که یک نظام تربیتی خواهان تغییر، پیش از این که بتواند مستقیماً برنامه‌های تربیتی معطوف به متریان را اعمال و اجرا و حتی طراحی و تدوین نماید، لازم است یک سری تغییرات و اصلاحات بنیادین به ویژه در بعد نگرشی خود نسبت به تربیت به وجود آورد تا آن گاه بتواند با انگاره و نگرش جدید، درمورد تربیتی با فلسفه و شیوه‌های جدید بیندیشد.

با تأمل در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان اقدامات زیر را به عنوان اقدامات اولیه و زیربنایی برای نظام تربیتی تمدن‌ساز، استنتاج نمود. بدیهی است بسیاری از موارد ذیل مستقیماً و اختصاصاً برای نظام تربیتی کشور مطرح نشده‌اند، اما تلاش می‌شود که میان توصیه‌های ناظر بر تمدن‌سازی

- با نقش نظام تربیتی در این حوزه ارتباط برقرار شود. در این خصوص، می‌توان اقدامات زیر را به عنوان اقدامات بنیادین و زمینه‌ساز برای نظام تربیتی در نظر گرفت:
- نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه نظام تعلیم و تربیت رسمی (همو، ۹۲/۲/۹).
 - آسیب‌شناسی و جستجو از علل آسیب‌ها در حوزه‌های گوناگون فرهنگی و رفتاری (مانند: ضعیف بودن فرهنگ کار جمعی، روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر، رواج برخی اخلاقیات نادرست، کارگریزی، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و نظایر آن) (همو، ۹۱/۷/۲۳) با تمرکز بر نقش نظام تربیتی در اصلاح فرهنگی و رفتاری.
 - نیازسنجی (همو، ۸۵/۳/۲۵). آسیب‌شناسی و نیازسنجی با همدیگر، مبنای تصمیم‌گیری‌ها را در این نظام تشکیل خواهند داد.
 - پرهیز از تقلید از غرب، بازگشت به اسلام و استفاده از بُن‌مایه‌های اسلامی، به همراه نوگرایی و سماحت و عقلانیت (همو، ۹۰/۱۱/۱۴؛ ۹۱/۷/۲۳).
 - پرورش عقلانیت و فراهم نمودن فضای آزادی فکر، فضای انتقادی سالم و گفتگوی آزاد، همراه با ادب استفاده از آزادی، بیدار کردن عقل جمعی و تولید علم و اندیشه دینی (همو، ۸۱/۱۱/۱۶).
 - تکیه بر حقایق و اصالت‌های جاودانه بشری (هم چون: اصول عدالت، صداقت وفاداری و نظایر آن‌ها) (همو، ۸۴/۵/۲۸).
 - نظام‌سازی، تعیین نظام صحیح حرکت منطقی (همو، ۹۲/۸/۲۹)، قانون‌نویسی و مدیریت درست نهادها (همو، ۹۰/۱۱/۱۴) و از جمله، در نهاد تربیت.
 - آموزش فعال، به روز و پاسخگو: فعال کردن نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی افراد (همو، ۸۱/۱۱/۱۶) توسط نظام آموزشی و تربیتی.
 - الگوسازی (مثلاً در زمینه تفریح سالم، نوع معماری در جامعه، ...) (همو، ۹۱/۷/۲۳) توسط نظام تربیتی برای جوانان.
 - اصلاح از بالا: اصلاح اخلاقی مسئولان و فرادستان به عنوان الگوهای برای سایرین (صداقت، شجاعت، رهایی از هوا و هوس و ترس و طمع و ...)؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت (همو، ۸۴/۵/۲۸).

تغییر نگاه (نگاه اجتهادی و عالمانه به نظام تربیت)	اقدامات زمینه‌ساز در تربیت مطلوب
آسیب‌شناسی دقیق	
نیازسنجی	
پرهیز از تقلید از غرب	
فضای عقلانیت، آزادی فکر، انتقاد سالم و عقل جمعی	
تکیه بر حقایق و اصالت‌های جاودانه بشری	
نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت درست	
به روز و پاسخگو بودن	
الگوسازی	
اصلاح از بالا و تقوای جماعت و امت	

۲. اهداف تربیت

تا بدین جا روشن شد که نظام تربیتی کشور باید فعالیت‌های خود را در راستای تسهیل و تحقق تمدن نوین اسلامی جهت دهی کند. لذا می‌توان «هدف کلی تربیت» را پرورش سرمایه انسانی تمدن اسلامی دانست. البته این هدف کلی با این که جهت کلی حرکت را نشان می‌دهد، اما برای راهنمایی جزئیات برنامه‌های تربیتی کافی نیست. بنابراین، تجزیه این هدف کلی به اهداف جزئی تر (اهداف واسطه‌ای تربیت) امری لازم به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، اهداف واسطه‌ای تربیت با این که خود، یک هدف مستقل به‌شمار می‌رود، برای نیل به هدف کلی واسطه قرار می‌گیرند و زمینه نیل به آن‌ها هستند (شرفی، ص ۲۵۴).

برای دستیابی و استنتاج اهداف واسطه‌ای تربیت، با نظر به هدف بالادستی (تمدن‌سازی نوین اسلامی)، نخست سخنان مقام معظم رهبری در ارتباط با آن تغییرات مطلوبی که لازم است در متن جامعه ایجاد شود تا تمدن‌سازی تسهیل شود و تحقق یابد، تحلیل و دسته‌بندی و سازماندهی شدند. در نهایت، بر اساس تحلیل داده‌ها مشخص شد که در راستای تحقق تمدن اسلامی لازم است تغییراتی در ۱۰ محور در بدنه انسانی جامعه ایجاد شود. آنگاه باین پیش فرض که تغییرات

مذکور می‌تواند توسط نظام تربیتی در نسل جدید ایجاد شود، اهدافی ده‌گانه برای نظام تربیتی تمدن‌ساز، استنتاج گردید.

۱. پرورش خداباوری و خدامحوری

- پرورش ایمان اسلامی و رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه (مقام معظم رهبری، ۷۶/۹/۱۸؛ ۹۲/۲/۹؛ ۷۳/۸/۱۱؛ ۶۸/۱۲/۳).
- انس، ذکر و یاد خدا (به عنوان پشتوانه ثبات قدم در این راه) (همو، ۸۶/۶/۳۱).

۲. تقویت اعتماد و اتکا به خداوند

- حسن ظن به خدا (همو، ۹۲/۲/۹).
- اتکای به خدا (همو، ۶۸/۱۲/۳).
- اعتماد به وعده‌های الهی، توجه به امداد الهی و کمک سنت‌های آفرینش (همو، ۹۲/۲/۹).
- ایستادگی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند در سختی‌ها (همان‌جا).

۳. پرورش عزت نفس و خودباوری

- ارزش قائل شدن برای شخصیت و استقلال خود و کشور خود (همو، ۸۰/۲/۱۲).
- خودباوری و خوش‌بینی به توانایی‌های خود (همو، ۸۱/۷/۳؛ ۹۱/۷/۲۲؛ ۹۲/۲/۹).
- شناختن و ارج نهادن به تمدن و هویت خویش (همو، ۸۱/۷/۳).
- تصمیم و اراده برای روی پای خود ایستادن (همو، ۸۰/۲/۱۲).
- اجتناب از تقلید از غرب و الگوهای بیگانه (در عین بهره‌گرفتن از فراورده‌های علمی دیگران) (همو، ۸۰/۲/۱۲).

۴. پرورش اخلاقی

- جدی گرفتن تحول درونی خود (و ایجاد روح زندگی علوی؛ یعنی عدالت، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به تلاش در راه خدا) (همو، ۸۳/۸/۶).
- پایبندی به ارزش‌ها و اصول خود (همان‌جا).
- تقویت خودسازی، تعمیر دل و پاکیزگی روحی (همو، ۹۵/۵/۳۱؛ ۹۲/۸/۲۹)، تقویت مراقبت و تقوای فردی و تقوای جمعی (همو، ۸۴/۵/۲۸).

- پرورش اخلاص و صدق (ممو، ۷۰/۱/۱۶).

۵. پرورش جسمی

تقویت جسم (ممو، ۹۱/۷/۲۳؛ ۹۲/۸/۲۹).

۶. تقویت جدیت، مجاهدت و نشاط روحی

- تقویت احساس مسئولیت در تک تک افراد (ممو، ۹۱/۷/۲۳)، زندگی درست و منضبط و مسئولانه (در هر نقطه‌ای که هستیم) (ممو، ۸۲/۲/۱۰) وظیفه شناسی و عمل به وظیفه (ممو، ۷۹/۷/۱۴).

- جدی گرفتن بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید (ممو، ۷۳/۸/۱۱)، همت و عزم قاطع (ممو، ۸۵/۸/۱۹) و جدیت (ممو، ۷۶/۹/۲۱).

- تقویت تلاش مجاهدانه و مجدّانه، دائمی و خالصانه برای خدا (همراه با نشاط و عشق به کار) (ممو، ۷۳/۶/۲۹؛ ۹۴/۱۰/۸؛ ۹۲/۲/۱۱؛ ۹۲/۲/۹؛ ۷۶/۹/۱۸).

- دوری از تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی (ممو، ۹۲/۲/۱۱).

- ایجاد طراوت در دل‌ها (از طریق افزایش بصیرت و ذخیره معنوی) (ممو، ۹۵/۷/۱).

- پرورش آمادگی برای جانفشانی و فداکاری (ممو، ۸۸/۴/۷).

۷. پرورش علمی

- پرورش علم و دانش (ممو، ۹۲/۲/۹) در پیشرفت دادن: اقتصاد، صنعت، کشاورزی و در نهایت، خودکفایی (ممو، ۹۵/۲/۸).

- استفاده از دانش جهان و از ابزارهای موجود جهانی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت (ممو، ۹۴/۱۰/۸).

۸. پرورش حرفه‌ای جهت اعتلای اقتصادی

- رشد و توسعه و اعتلای مهارت‌های حرفه‌ای و اقتصادی (جهت اعتلای اقتصادی و استقلال و عزت) (ممو، ۸۳/۶/۲۵).

- پرورش اخلاق اقتصاد (دوری از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر) (ممو، ۹۲/۲/۹).

۹. پرورش و اعتلای مدنی

- تقویت وحدت و پرهیز از تفرقه (همو، ۷۶/۹/۱۸؛ ۷۶/۲/۶).
- پرورش روحیه همکاری (همو، ۷۶/۹/۲۱).
- پرورش روحیه اهتمام به انجام خدمات اجتماعی (همو، ۹۲/۸/۲۹).

۱۰. پرورش سیاسی-فرهنگی

- نهادینه کردن شیوه تفکر اسلام سیاسی (همو، ۹۴/۴/۲۰).
- شناساندن و درونی نمودن نظام مردم سالاری دینی (همو، ۹۱/۵/۲۲).
- تقویت وحدت امت اسلامی (همو، ۷۶/۲/۶).
- تقویت بصیرت (همو، ۹۵/۵/۳۱) معرفت (همو، ۷۶/۹/۲۱) و آگاهی و هوشیاری (همو، ۷۶/۲/۶).
- تقویت پیوند و رابطه مستحکم ملت با مسئولان (همو، ۷۶/۲/۶).
- زنده نگهداشتن یاد امام، پیشروان انقلاب، شهدای بزرگوار و یاد صحنه‌های پرشور انقلاب و جنگ تحمیلی (همو، ۷۳/۸/۱۱).
- پرورش روحیه دشمن ستیزی (همو، ۹۵/۵/۳۱).



۳. رویکرد تربیتی

رویکرد تربیتی، مهم‌ترین جهت‌گیری یک نظام تربیتی را در اقدامات مربوطه نشان می‌دهد (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۱۱). با توجه به بحث‌هایی مطرح شده و با عنایت به دیدگاه مقام معظم رهبری (۹۱/۵/۲۲؛ ۸۶/۵/۳) می‌توان نتیجه گرفت که تربیت با رویکرد تمدن‌سازی به دنبال «تلفیق دین با همه ابعاد زندگی» است تا بتواند نیروی انسانی مؤمن و کارآمدی را پرورش دهد. لذا می‌توان در عبارتی کوتاه، رویکرد تربیتی را رویکرد «تربیت انسان مومن کارآمد» در نظر گرفت.

۴. ابعاد تربیت

انسان دارای ساحت‌ها یا ابعاد گوناگون است که برای وصول به کمال مطلوب نیازمند آن است که همه آنها را پرورش دهد. یکی از وظایف فلسفه تربیتی این است که ساحت‌ها یا حوزه‌های اصلی تربیت را معین نماید تا در گام‌های بعدی بتوان برای هر یک از آنها برنامه مناسب طراحی کرد (فتحعلی و همکاران، ص ۳۲۲، ص ۶۸). در اینجا نیز با نظر به اهداف واسطه‌ای تربیت، می‌توان هشت ساحت یا بعد برای تربیت شناسایی نمود:



بدین ترتیب، پرورش انسان کارآمد تمدن‌ساز، تمام ابعاد وجودی او: ابعاد جسمی، روحی روانی، معنوی، اخلاقی و علمی و از سوی دیگر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

نتیجه

تحقق آرمان والای انقلاب اسلامی تحت عنوان ایجاد تمدن نوین اسلامی، مسئولیت خطیری است که پژوهشگران، سیاست گذاران و برنامه ریزان از چشم اندازهای گوناگون باید به آن بپردازند و هر یک، از نظر تخصصی خویش گامی در راستای آن بردارند. خرده نظام تعلیم و تربیت به لحاظ نقش بی بدیلی که در تربیت نیروی انسانی شایسته و کارآمد دارد و می تواند جهان بینی اسلامی و سبک زندگی اسلامی را از همان دوران کودکی در نسل جدید پایه گذاری و در طی دوران کودکی و نوجوانی، تثبیت و نهادینه کند، در این زمینه باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. در این میان، باید توجه نمود که هر گونه تغییر و اصلاح در برنامه های عملی تعلیم و تربیت، مستلزم اصلاح «فلسفه تربیتی» است.

برخی از اصول تربیتی که در این مقاله به دست آمدند، پیش تر نیز از سوی متخصصان و صاحب نظران مطرح شده اند؛ مانند: اصل جامعیت تربیت، خدامحوری و «تلفیق» دین با تمام ابعاد زندگی و تقویت «کارآمدی». اما به نظر می رسد سه خلا مهم هنوز در نظام تربیتی کشور وجود دارد و لازم است در راستای رفع آن ها برنامه ریزی و اقدام جدی نمود:

اول: احیای هویت فرهنگی و تمدنی در نسل جدید (و تقویت عزت نفس).

دوم: ایجاد احساس مسئولیت عمیق و جدی در تک تک اعضای نسل جدید برای

تمدن سازی نوین اسلامی.

سوم: ایجاد حس خودباوری و توانمندی.

فلسفه تربیت علاوه بر مؤلفه هایی هم چون اهداف و ابعاد، محتوی اصول و مراحل تربیت نیز هست که در این پژوهش به دلیل محدودیت های موجود، به آن ها پرداخته نشد. بنابراین، پیشنهاد محقق برای سایر علاقمندان و دغدغه مندان تمدن پژوهی، بررسی و تبیین راهبردها، راهکارها و اصول تربیتی با رویکرد تمدن سازی است؛ تا بر اساس آن، بتوان برنامه های تربیتی عملیاتی تری را طراحی و اجرا نمود.

یادداشت ها

۱. در پیشینه علمی و فرهنگی ما واژه تربیت شامل تمام ابعاد و اجزای فرایندی است که زمینه تحول اختیاری و آگاهانه آدمی را فراهم می کند. لذا نه تنها به لحاظ گستره مفهومی، نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد، بلکه حتی تفکیک این فرایند به دو بخش متمایز مانند: تعلیم و

تربیت یا آموزش و پرورش، مشکلات نظری و عملی فراوانی را به دنبال خود می آورد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج. ۱/۱، ص ۲۰).

منابع

اسمیت، فیلیپ جی، فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

بابایی، حبیب الله، "اعیار" و "اساس" در اسلامی بودن تمدن"، نقد و نظر، سال ۲۰، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۳۱-۵۴.

بنی حسن، علی اصغر، نقش بیداری فرد در احیای تمدن اسلامی از منظر قرآن و نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

حسینی، سیدحسین، "روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن"، حکمت معاصر، سال ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۱-۴۵.

خوانساری، محمد، دوره مختصر منطق صوری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
دنگچی، مهدی، "احیای تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری"، فرهنگ پژوهش، ش ۲۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۱-۵.

دیباپی صابر، محسن، تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران، دانشگاه شاهد، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی. ۱۳۹۶.

روحی، نبی الله، "چشم‌انداز گفتمان تمدن گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری"، مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۶، ش ۶۱، زمستان ۱۳۹۲، ص ۳۲-۵.

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.

شرفی، محمدرضا، فلسفه تربیتی اسلام با رویکرد تطبیقی، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۸.

فتحعلی، محمود و همکاران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ۱۳۹۰.

- فرمهبینی فراهانی، محسن؛ خاری آرانی، مجید، تربیت دینی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی، همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذر ۱۳۹۰.
- محمودی، محمدهادی، "جغرافیای فلسفه در تمدن اسلامی"، درباره نسبت میان فلسفه اسلامی و تمدن اسلامی، سوره، ش ۵۱-۵۰، تیر و مرداد ۱۳۹۰، صص ۱۶۱-۱۶۰.
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار جمعی از ائمه جمعه کشورهای نامیبیا، موزامبیک، آفریقای جنوبی و لسوتو، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۶۸/۱۲/۳.
- _____، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۰/۱/۱۶.
- _____، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۳/۶/۲۹.
- _____، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۳/۸/۱۱.
- _____، بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۶/۲/۳.
- _____، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۶/۲/۶.
- _____، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۶/۶/۱۹.
- _____، بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۶/۹/۱۸.
- _____، پیام تشکر به مناسبت برگزاری هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۶/۹/۲۱.
- _____، بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

- _____، بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلاهی رشت، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۰/۲/۱۲.
- _____، بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۰/۷/۲۳.
- _____، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۱/۷/۳.
- _____، پاسخ به نامه جمعی از دانش آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
- _____، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۲/۲/۱۰.
- _____، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۳/۶/۲۵.
- _____، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۳/۸/۶.
- _____، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۴/۵/۲۸.
- _____، بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۵/۲/۱۲.
- _____، بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۵/۳/۲۵.
- _____، بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۵/۸/۱۹.
- _____، بیانات در دیدار مردم شاهرود، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۵/۸/۲۰.
- _____، بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور، قابل دسترس در <http://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۸۶/۵/۳.

- _____، «بیانات در دیدار کارگزاران نظام، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۸۶/۶/۳۱.
- _____، «بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۸۸/۴/۷.
- _____، «خطبه‌های نماز جمعه تهران، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- _____، «بیانات در دیدار قاریان، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۱/۴/۳۱.
- _____، «بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها؛ تقویت وحدت امت اسلامی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۱/۵/۲۲.
- _____، «بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- _____، «بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۲/۲/۹.
- _____، «بیانات در دیدار جمعی از مداحان، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۲/۲/۱۱.
- _____، «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
- _____، «بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۲/۸/۲۹.
- _____، «بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
- _____، «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
- _____، «بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۴/۸/۲۰.
- _____، «بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)»، ۱۳۹۴/۱۰/۸.

- _____، بیانات در دیدار کارگران، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۹۵/۲/۸.
- _____، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۹۵/۵/۱۱.
- _____، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۹۵/۵/۳۱.
- _____، پیام به مناسبت هفته دفاع مقدس و روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۹۵/۷/۱.
- _____، بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۹۵/۷/۲۸.
- _____، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، قابل دسترس در (<http://farsi.khamenei.ir>)، ۱۳۹۶/۲/۵.
- میرزامحمدی، محمدحسن، و اکاوی فلسفه سیاسی فاضله فارابی و استنتاج دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت از منظر تمدن نوین اسلامی، همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴.
- نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
- نیلی احمدآبادی، "جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی در علوم انسانی"، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۸۶-۱۷۱.
- هاشمی‌علی‌آبادی، سید احمد، بررسی الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی با نگرشی سیستمی به آیات قرآن، اولین همایش بین‌المللی تبیین و بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی (با تأکید بر شهر مشهد مقدس)، ۱۳۹۶.

